

Journal of research in Persian language and literature education



New Solutions for Better Recognition of Rhythm and Rhythm

Gholamreza Rahimi shesdeh

Faculty member, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Jahrom University, Jahrom, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

Division,
(Bahr) Meters of
Prosody, Meters of
Persian Poetry,
Poetry Prosody,
zihāfāt.

Constructivist teaching✉
ghrahimi4554@gmail.com

One aspect of proper poetry reading with more joy is to recognize meter and prosody. Discussion of meter and rhythm in poetry have a history almost as old as poetry itself, and numerous articles and books have been published on the subject, all of which demonstrate the importance of this basic knowledge. Studying the literature in the field of prosody, the researcher has tried to present a new approach to the division of verse based on its initial syllable, and provide a more accurate identification of meter and rhythm. In fact, the most difficult part after breaking down a poem and determining its meter and rhythm is related to the division that is, determining the limits and boundaries of prosody effects and, subsequently, determining the correct meter and rhythm which was the main focus of this article. With this method for determining the correct meter and division, the mind deals with very limited meters. In the division of a verse that begins with two short syllables; to determine the meter of the verse and consequently its correct division based on this method, the first element of the verse is either fa'ilātun or fa'ilun. If it is fa'ilātun, the subsequent feet can only follow two possibilities: they may again be fa'ilātun, in which the verse is necessarily uniform (muttafiq al-arkān) and belongs to the meter mutadārik, where the subsequent feet are fa'ilun or fa'ilun with slight variation. On the other hand, if the verse begins with fa'ilāt, it necessarily belongs to the meter ramal, and the following foot will be fā'ilātun

DOI:10.48310/rpllp.2025.20758.1274

Received: 1404/01/10

Reviewed: 1404/02/20

Accepted: 1404/04/12

PP: 20

Citation (APA): Rahimi, G. (2025). New Solutions for Better Recognition of Rhythm and Rhythm. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 6(2), 121-140. 
<https://doi.org/10.48310/rpllp.2025.20758.1274>.



راهکارهای تازه برای تشخیص بهتر وزن و بحر عروضی

مقاله پژوهشی

غلامرضا رحیمی ششده

عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران.

چکیده

یکی از جنبه‌های درست خواندن شعر و همچنین لذت بردن بیشتر از آن، شناختن و تشخیص درست وزن و بحرهای عروضی است. مباحث مربوط به آهنگ و وزن شعر تقریباً سابقه‌ای به اندازه شعر و شاعری دارد و از گذشته تا کنون مقالات و کتاب‌های متعددی در این باب نوشته شده است که همگی نشان از اهمیت این دانش پایه‌ای دارد. در این مقاله نگارنده کوشیده است ضمن مطالعه و توجه به تمامی کتب متقدم و معاصر در حوزه عروض، شروع هر بیت براساس هجای آغازین آن راهکاری جدید را در رکن‌بندی و به تبع آن تشخیص درست‌تر وزن و بحر ارائه نماید. ناگفته پیداست مشکل‌ترین بخش پس از تقطیع شعر و تشخیص وزن و بحر آن مربوط به رکن‌بندی، یعنی تشخیص حد و مرز افاعیل عروضی و در پی آن تشخیص درست وزن و بحر است. محور اصلی مقاله حاضر پرداختن به این موضوع است. با این راهکار برای تشخیص وزن و رکن‌بندی صحیح، ذهن با اوزان بسیار محدودی سر و کار دارد. در تقطیع بیتی که با دو هجای کوتاه شروع می‌شود؛ برای تشخیص وزن بیت مذکور و در نتیجه رکن‌بندی صحیح آن براساس این روش رکن اول بیت یا فعلاتن است یا فَعْلَن. اگر فعلاتن بود ارکان بعدی آن نیز از دو حالت خارج نیست؛ زیرا ممکن است دوباره فعلاتن باشد که در این صورت حتماً متفق الارکان و بحر متدارک است که ارکان بعدی آن نیز فعْلَن یا فَعْلَن خواهد بود. البته اگر بیت با فعلاتن نیز شروع شود حتماً بحر رمل و رکن بعدی آن فاعلاتن است.

DOI:

10.48310/rpllp.2025.20758.1274

واژه‌های کلیدی:

عروض شعر،
بحرهای عروضی،
وزن شعر فارسی،
رکن‌بندی،
زحافات.

۱. نویسنده مسئول

ghrahimi4554@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲

شماره صفحات: ۲۰

مقدمه

توجه به عروض یا وزن شعر از جمله مباحث پایه‌ای و کهن در حوزه ادبیات و شعر و شاعری است. اگر به مباحث قدیمی توجه نماییم که در باب تعریف شعر و شاعری عرضه شده است، مشخص می‌شود توجه به عروض و آهنگ شعر، همزاد خود شعر است؛ چنانکه گفته‌اند: «شعر کلامی موزون و مقفّی است. شعر کلامی موزون و مخیل است» (نصرالدین طوسی، ۱۳۶۳: ۱). بنابراین از این تعریف مشخص می‌شود که اصولاً وزن بخشی از شعر محسوب می‌شود. درمورد عروض نیز گفته شده است که «عروض علمی است که درباره وزن شعر بحث می‌کند» (رازی، ۱۳۶۰: ۳۱) یا «وزن شعر حاصل نظم و تناسبی است که در صورتهای ملفوظ ایجاد شده باشد» (خانلری، ۱۳۶۷: ۱۱۱). با توجه به همزاد بودن شعر و وزن، از قدیم تا کنون کتب و مقالات متعددی در این مبحث پایه‌ای و مهم نوشته شده است؛ که همگی نشان از اهمیت وزن یا عروض در شعر است.

همانطور که در علم صرف عربی کلمات را با مقیاس سه حرف «ف، ع، ل» می‌سنجند؛ در عروض نیز برای سنجش وزن اشعار و نشان دادن آن از همین مقیاس قراردادی استفاده می‌کنند که به آنها ارکان یا افاعیل عروضی می‌گویند. افاعیل اصلی و نشانه‌های عروضی آن به شرح زیر است:

۱_فعولن (_ _ U) ۲_فاعِلن (_ U _) ۳_مفاعیلن (_ _ U _) ۴_فاعلاتن (_ _ U _) ۵_مستفعلن (_ _ U _) ۶_فعولات (_ _ _ U) ۷_متفاعِلن (_ U _ _ U _) ۸_مفاعِلتن (_ U _ _ U _). البته براساس تغییر و تبدیلی‌های عروضی، که اصطلاحاً به آن زحاف می‌گویند، هریک از این ارکان ممکن است به بخش‌های کوچکتری نیز تقسیم شوند. براساس بسیاری از آثار عروضی سنتی از جمله *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، این بخش‌های کوچک را نیز با عنوان افاعیل عروضی ذکر کرده اند (رازی، ۱۳۶۰: ۳۲).

درس عروض از جمله علوم ادبی دشوار در رشته زبان و ادبیات فارسی است که تدریس و یادگیری آن در دبیرستان و دانشگاه از زمره دروس دشوار محسوب می‌شود. از این روی لازم است برای بهبود وضعیت تدریس و یادگیری آن تلاش شود و راهکارهای مناسب و قابل اجرا پیشنهاد گردد. محور اصلی پژوهش حاضر، شیوه رکن‌بندی و تشخیص درست وزن و بحر است؛ بنابراین با توجه به اینکه قبلاً نیز اشاره کردیم؛ به دلیل کثرت کتب و مقالات عروضی و روشن‌بودن مباحث مقدماتی عروض از قبیل: صامت، مصوت، هجا، شیوه تقطیع و قواعد آن، یادگیری زحاف‌ها و... از توضیح و اشاره به آنها خودداری می‌کنیم. این مقاله، نقطه مقابل تحقیقات ارزشمند انجام شده در حوزه عروض نیست، بلکه شیوه‌ای قراردادی و جدید است که بر اثر تمرین و ممارست و همچنین تدریس دو دهه گذشته درس عروض و قافیه حاصل گردیده است. از نظر نگارنده این شیوه

قراردادی یکی از آسان‌ترین راه‌های رکن‌بندی و تشخیص وزن و بحر است. اگرچه بنای این تحقیق براساس وزن و بحر شعر فارسی و همچنین اوزان و بحور مطبوع و پرکاربرد آن است؛ به اوزان و بحور نامطبوع و کم‌کاربرد و همچنین بحور مخصوص شعر عربی نیز پرداخته‌ایم.

روش‌شناسی

طبق تجربه‌ای که بنده و دیگر مدرسان درس عروض دارند اکثر دانش‌آموزان و دانشجویانی که از ذهن عروضی کافی برخوردار نیستند، ممکن است بتوانند شعری را به راحتی تقطیع هجایی نمایند؛ اما در مرزبندی ارکان عروضی دچار مشکل می‌شوند. نگارنده در این مقاله بر آن است که با یک روش قراردادی بتواند شروع هر بیت را با توجه به هجاهای کوتاه و بلند ساده‌تر ارائه دهد و همانگونه که در ادامه آمده است، اصولاً در شعر فارسی و حتی بسیاری از اشعار عربی هر بیتی یا با یک هجای کوتاه شروع می‌شود، یا با دو هجای کوتاه و یا با یک هجای بلند و یا با دو هجای بلند و بیشتر از دو هجای بلند می‌آید؛ البته این احتمالات را در ادامه توضیح داده‌ایم.

لازم به ذکر است که نگاه ما اگرچه بر غالب و اکثر بوده است، سعی کرده‌ایم از مثال‌های کمیاب و نادر نیز شاهد مثال بیاوریم. مثل شواهدی که در کتاب *المعجم* نوشته شمس قیس رازی بدون ذکر نام شاعر آمده است، یا شواهدی که در فرهنگ‌های معتبر مثل *غیاث اللغات* و فرهنگ جهانگیری و غیره آمده است؛ اما ذکر از نام شاعر و مأخذ آن نیست. در خصوص شاهد مثال‌هایی که از اشعار معتبر مثلاً *خمسه نظامی*، بوستان سعدی، مثنوی مولوی، غزل‌های سعدی، حافظ و... به دلیل اینکه مثلاً ذکر یک بیت از خسرو و شیرین معرفت وزن و بحر همه خسرو و شیرین بوده یا شاهنامه و مثنوی مولوی و... از ذکر شاهد مثال‌های بیشتر پرهیز کرده‌ایم.

پیشینه پژوهش

شیوه سنتی کتاب‌های عروضی براساس واضع این دانش یعنی خلیل بن احمد عروضی در قرن دوم هجری است و پس از آن در کتاب‌های *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، *معیار الاشعار* و *نفایس الفنون* و عروض *همایون* ادامه یافته است تا به عروض سیفی (قرن نهم) و *شجره العروض* و بحور *الاحان* و *دره نجفی* (قرن چهاردهم) رسیده است.

بیشتر کتب معاصر که در حوزه عروض سنتی نوشته شده است براساس شیوه متقدمین و کتب مذکور است. در مواردی نیز از جمله کتاب‌های تحقیق/انتقادی در عروض فارسی و وزن شعر فارسی نوشته از پرویز ناتل خانلری یا رساله‌ها و مقالات مسعود فرزاد نگاهی جدیدتر و امروزی‌تر به عروض و آهنگ شعر فارسی دارند. ناتل خانلری در کتاب *وزن شعر فارسی*، مباحثی چون وزن اصلی و فرعی، دایره‌های جدید عروضی و اختیارات شاعری را مطرح کرد. به تقسیم و طبقه‌بندی جدیدی در ارکان عروضی پرداخت و ده رکن را که شامل چهار رکن دو هجایی و شش رکن سه هجایی برای توصیف وزن شعر فارسی مطرح کرد.

جاهدجاه (۱۴۰۳) به تکمیل و اصلاح شیوه رکن‌بندی خانلری پرداخته است، تا «با فرارفتن از نگاه مرسوم و شکستن هنجارهای ذهنی، درکی متفاوت از ماهیت اوزان عروضی ایجاد کند و در آسان‌سازی آموزش عروض و ژرفادادن به آن مفید باشد». و برای تکمیل نظر خانلری چند پیشنهاد عرضه کرده است: «منظم کردن تقطیع براساس تکرار و تناوب و پرهیز از اوزان مختلف‌الارکان؛ نشان دادن تکرارها و تناوب‌های بزرگ‌تر از سه هجا؛ اضافه کردن یک رکن به شش رکن سه هجایی خانلری و بهره‌گیری از رکن ناقص یک هجایی و تبیین نام‌گذاری ارکان ناقص» پارسا (۱۳۹۹)، تجرب تحصیل و تدریس خود را از درس عروض برای آموزش سماعی عروض بیان کرده است. از نظر وی فراهم کردن نمونه‌های جذاب شعری، استفاده از بحر پرکاربرد و سالم، آموزش رهاسازی ذهن، ارائه نمونه‌های سازگار با مصادیق فرهنگی و متناسب با روحیه و سن دانشجویان برای تعلیم عروض مفید است.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «نگاهی نو به اوزان شعر فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی و ریتم» در پی آن هستند که به جای آنکه اوزان شعر فارسی را بر مبنای قواعد عروضی بررسی کنند، براساس آنچه فارسی‌زبانان می‌خوانند و درک می‌کنند، بسنجند. با این فرضیه که میان قواعد عروضی شعر فارسی و نحوه خواندن آن توسط فارسی‌زبانان، تفاوت وجود دارد. درّی و همکاران (۱۳۹۹)، تلاش کرده‌اند با تولید محتوای آموزشی موسیقایی و به‌کارگیری آن، راهکاری ارائه دهند که آموزش عروض و وزن شعر را تسهیل کند، همچنین به‌یادسپاری بلندمدت اوزان شعر فارسی را بهبود ببخشد.

در برخی پژوهش‌ها به ارزیابی شیوه‌های تدریس درس عروض روی آورده‌اند. این آثار شیوه خاص یا جدیدی برای آموزش ارائه نمی‌کنند؛ مثل اینکه کمالی نهاد و موسی کاظمی (۱۴۰۰)، به ارزیابی میزان یادگیری دانش آموزان دوره دوم متوسطه در درس عروض پرداخته‌اند و مهمترین پیشنهاد ایشان افزایش طول تدریس درس عروض است.

بحث و بررسی

شیوه رکن‌بندی افاعیل عروضی و تشخیص وزن و بحر

اساتید بزرگی که با درس عروض و مباحث مربوط به آن انس بیشتری دارند و سال‌های متمادی این مطالب را به دانشجویان تدریس نموده‌اند؛ حتماً با بنده هم عقیده خواهند بود که مشکل‌ترین مبحث درس عروض مربوط به رکن‌بندی ارکان عروضی است. شاید این مطلب را بیهوده نگفته‌اند که «مهم‌ترین و مشکل‌ترین مسئله عروض فارسی از قدیم تا امروز مربوط به طبقه‌بندی وزن‌ها و ارکان عروضی است» (نجفی، ۱۳۹۵: ۵۹۱). البته دلیل این امر روشن و مبرهن است؛ زیرا هریک از ارکان عروضی یادشده با توجه به داشتن زحاف‌های متعدد و همچنین در موارد بسیاری مختلف

الارکان بودن بحور عروضی باعث شده است که «در شعر فارسی حدود ۳۵۰ وزن وجود داشته باشد» (کرمی، ۱۳۸۴: ۴). براساس همین مطلب است که در اکثر کتب معتبر عروضی قدیم و جدید برای رکن‌بندی به شیوه‌ای خاص اشاره نکرده‌اند و بهترین راه را «تمرین و ممارست دانسته اند» (نوروزی، ۱۳۷۰: ۵۱). البته این روش ممکن است برای کسی فراهم باشد که اولاً از ذوق و ذهن عروضی برخوردار است؛ ثانیاً براساس تعلق خاطر فراوان به شعر و شاعری و به تبع آن تمرین و ممارست زیاد به این مهم دست یافته باشد. حال آنکه ممکن است بسیاری از مخاطبین شعر و وزن آن دانشجویان یا دانش‌آموزان باشند که تنها برای یادگیری و گذراندن درس مذکور به آن توجه می‌کنند؛ یا ممکن است کسانی باشند که خود اهل شعر و شاعری هستند؛ ولی با جنبه‌های خاص وزن و بحر آشنایی چندانی ندارند؛ مسلم است تحقیقاتی از این دست می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

رکن‌بندی از طریق هجای کوتاه و بلند

یکی از نکات مسلم و روشن این است که اصولاً هجای آغازین هربیت از یکی از چهار حالت زیر خارج نیست:

۱- شروع بیت با یک هجای کوتاه (U)

۲- شروع بیت با یک هجای بلند (ـ)

۳- شروع بیت با دو هجای کوتاه (UU)

۴- شروع بیت با دو هجای بلند و بیشتر (ــ)

در اینجا براساس این تقسیم‌بندی کلی با ذکر شاهد مثال (البته به اجمال) به طبقه‌بندی‌های جزئی تحقیق می‌پردازیم:

شروع بیت با یک هجای کوتاه

تمامی اشعار فارسی و عربی با توجه به شروع بیت با یک هجای کوتاه (U) از یکی از این ارکان خارج نیست: مفاعیلن، مفاعِلن، فاعِلن، مفاعِلتن.

الف) مفاعیلن

بیشتر ابیاتی که با رکن مفاعیلن شروع می‌شود بحر هزج است، بنابراین ارکان بعدی آن نیز مفاعیلن است:

گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل گل از خارم برآوردی و خار از پا و پا از گل
(سعدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۵۳۸)

مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن (بحر هزج مثنی‌س)

در اشعار مسدس معمولاً رکن سوم به صورت محذوف (مقصور) می‌آید:

فلک جز عشق محرابی ندارد جهان بی خاک عشق آبی ندارد

(نظامی، ۱۳۹۰: ۲۲)

مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن (بحر هزج مسدس محذوف)
در موارد کم کاربردی که دو رکن اول مفاعیلن یا مفاعیل و پس از آن زحاف‌های فاعلاتن بیاید بحر قریب است:

فغان زان سر زلفین تا بدار فروهشته ز یاقوت آب‌دار
(قطران تبریزی، قصیده ۱۵۱)

مفاعیل مفاعیل فاعلان (بحر قریب مسدس مکفوف مقصور)

اگرچه اصل بحر مضارع نیز مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن است، یعنی با مفاعیلن و یک هجای کوتاه آغاز می‌شود؛ ولی به دلیل بسیار کم کاربرد بودن این بحر با صورت اصلی آن، از پرداخت به آن صرف نظر می‌کنیم؛ زیرا بحر مضارع معمولاً با مفعول (اخر مفاعیلن) شروع می‌شود که در جای خود (شروع بیت با دو هجای بلند) به آن خواهیم پرداخت. یا بعضی از غزل‌های مولوی که با مفاعیل (مکفوف مفاعیلن) آغاز می‌شود:

چه گرمیم چه گرمیم از این عشق چو خورشید چه پنهان و چه پنهان و چه پیداست خدایا
(مولوی، ۱۳۶۷: ۸۴)

مفاعیل مفاعیل مفاعیل مفاعیل (بحر هزج مثنی مکفوف مقصور)

(ب) مفاعیلن

اکثر قریب به اتفاق ابیاتی که با مفاعیلن (یک هجای کوتاه) شروع می‌شود از دو حالت خارج نیست:

یا بدون فاصله پس از آن مفاعیلن می‌آید؛ که در این صورت متفق الارکان و بحر رجز است:
فغان از این غراب بین و وای او که در نوا فکنمدمان نوا وای او
(منوچهری دامغانی، ۱۳۸۵: ۹۳)

مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن (بحر رجز مثنی مخبون)

یا پس از آن به صورت یک در میان فعلاتن (مخبون فاعلاتن) می‌آید؛ که در این صورت مختلف الارکان و بحر مجتث است:

طفیل هستی عشقند آدمی و پری ارادت‌ی بنما تا سعادت‌ی ببری
(حافظ شیرازی، ۱۳۶۷: ۳۴۳)

مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فَعْلَن (بحر مجتث مثنی مخبون محذوف)

در موارد نادری نیز پس از مفاعیلن، مفتعلن می‌آید که در این صورت نیز متفق الارکان و بحر رجز است:

فغان کنان هر سحری به کوی تو می‌گذرم چو نیست ره سوی توام به بام و در می‌نگرم
(جامی)

مفاعِلن، مفعِلن، مفاعِلن، مفتعلن (بحر رجز مثنی مخبون مطوی)

(ج) فعولن

ابیاتی که رکن اول آن فعولن یا فعول است همیشه متفق الارکان و بحر متقارب است.

مثال برای نوع اول:

فلک را به گوهر مرصع حواشی هوا را به عنبر مسترّ جوانب
(سلمان ساوجی، ۱۳۸۲: ۲۷)

فعولن، فعولن، فعولن، فعولن (بحر متقارب مثنی)

مثال برای نوع دوم:

نبید روشن چو ابر بهمن به باغ و گلشن چرا نیاری
(رودکی، ۱۳۸۰: ۶۳)

فعولُ فع لن، فعولُ فع لن (بحر متقارب مثنی مقبوض ائلم)

البته نوع اخیر دوری است و تشخیص آن نیز راحت است.

در موارد نادری نیز به تقلید از بحر طویل شعر عربی، پس از فعولن مفاعیلن می‌آید:

به احسان تویی حاتم به رفعت تویی کسری به فرمان تویی آصف به برهان تویی عیسی
(سیف فرغانی)

فعولن مفاعیلن، فعولن مفاعیلن (بحر طویل مثنی سالم)

(د) مفاعِلتن

ابیاتی که با این رکن آغاز می‌شود، متفق الارکان و بحر وافر شعر عربی است:

چه شد صنما که سوی کسی به چشم وفا نمی‌نگری ز رسم جفا نمی‌گذری طریق وفا نمی‌سپری
(جامی)

مفاعِلتن، مفاعِلتن، مفاعِلتن (بحر وافر مثنی سالم)

شروع بیت با یک هجای بلند

همه اشعار فارسی و عربی با توجه به شروع بیت با یک هجای بلند (ـ) از یکی از این ارکان خارج

نیست: فاعلاتن، مفتعلن، فاعلن.

(الف) فاعلاتن

بیتی که با فاعلاتن شروع می‌شود (یک هجای بلند) اگر ارکان بعدی آن نیز فاعلاتن یا فعلاتن بود

حتماً متفق الارکان و بحر رمل است. در این بحر نیز همانند بحر هزج، معمولاً در اشعار مسدس

رکن سوم آن محذوف است:

هرکسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من
(مولوی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴)

فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن (بحر رمل مسدس محذوف)

در خصوص بحر رمل و فاعلاتن باید گفت: در اشعار مثنی نیز معمولاً رکن چهارم محذوف (فاعلن) است:

دوش دور از رویت ای جان جانم از غم تاب داشت ابر چشمم بر رخ از سودای تو سیلاب داشت
(سعدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۵۸)

فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن (بحر رمل مثنی محذوف)

البته این به آن معنا نیست که در بحر رمل مثنی سالم شاهد مثالی وجود ندارد؛ بلکه منظور این است که برخلاف بحر هزج، صورت سالم بحر رمل کم کاربرد است:

آفتابا از در میخانه نگذر کاین حریفان یا بنوشندت که جامی یا ببوسندت که یاری
(وصال شیرازی)

فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن (بحر رمل مثنی سالم)

نکته پایانی که در خصوص بحر رمل و شروع بیت با فاعلاتن قابل ذکر است، این است که در بحر رمل مثنی، بیشتر ابیات با فاعلاتن شروع می‌شود ولی ارکان بعدی آن فاعلاتن (مخبون فاعلاتن) می‌آید:

یاد باد آنکه دو چشمت به عتابم می‌کشت معجز عیسویت در لب شکرخا بود
(حافظ شیرازی، ۱۳۶۷: ۲۰۳)

فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فع لن (بحر رمل مثنی مخبون اصلم)

مورد دیگری که بیت با فاعلاتن (یک هجای بلند) شروع می‌شود، آن است که پس از آن مفاعلن (مخبون مستفعلن) می‌آید که در این صورت حتماً مختلف الارکان و بحر خفیف است.

عشق با سربریده گوید راز زانکه داند سر بود غمّاز
(سنائی غزنوی، ۱۳۷۷: ۳۲۶)

فاعلاتن، مفاعلن، فع لن (بحر خفیف مسدس مخبون اصلم)

از دیگر موارد بسیار کم کاربرد بحوری که با فاعلاتن شروع می‌شود آن است که بدون فاصله پس از آن مفاعیلن یا مفاعیل بیاید که در این صورت نیز مختلف الارکان و بحر مشاکل است:

ای نگار سیه چشم سیه موی سرو قد نکو روی نکو گوی
(فاعلاتن، مفاعیلن، فعولن (بحر مشاکل مسدس محذوف)

(ب) مفتعلن

بیتی که با رکن مفتعلن (با یک هجای بلند) آغاز می‌شود، اگر ارکان بعدی آن نیز مفتعلن یا مفاعلن بود، حتماً متفق الارکان و بحر رجز است.

مثال برای نوع اول:

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
(مولوی، ۱۳۶۷: ۵۳۹)

مفتعلن، مفتعلن، مفتعلن، مفتعلن (بحر رجز مثنی مطوی)

مثال برای نوع دوم:

تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او زان سفر دراز خود یاد وطن نمی‌کند
(حافظ شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۹۷)

مفتعلن، مفاعِلن، مفتعلن مفاعِلن (بحر رجز مثنی مطوی مخبون)

حالت دوم آن است که بعد از مفتعلن یک در میان فاعِلن یا فاعلات بیاید. در این صورت حتماً مختلف الارکان و بحر منسرح است (البته اگر بعد از مفتعلن فاعلات بیاید رکن چهارم معمولاً «فع» است، که این رکن نیز منحور مفعولات است).

مثال برای نوع اول:

شد گهر اندر گهر صفحه تیغ سحر شد گره اندر گره حلقه درع سحاب
(خاقانی شروانی، ۱۳۷۸: ۴۱)

مفتعلن فاعِلن، مفتعلن فاعِلن (بحر منسرح مثنی مطوی مکشوف)

مثال برای نوع دوم:

بخت جوان دارد آنکه با تو قرین است پیر نگردد که در بهشت برین است
(سعدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۴۳)

مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (بحر منسرح مثنی مطوی منحور)

حالت سوم درمورد ابیاتی که با مفتعلن (یک هجای بلند) شروع می‌شود آن است که دو رکن متوالی مفتعلن بیاید و رکن سوم فاعِلن یا فاعلان باشد. در این صورت نیز حتماً مختلف الارکان و بحر سریع است:

هرچه خلاف آمد عادت بود قافله سالار سعادت بود
(نظامی گنجوی، ۱۴۰۱: ۱۱۵)

مفتعلن، مفتعلن، فاعِلن (بحر سریع مسدس مطوی مکشوف)

(ج) فاعِلن

مورد سوم از ابیاتی که با یک هجای بلند شروع می‌شود مربوط به رکن فاعِلن است. البته این بحر نیز کم کاربرد است و اگر بیتی با این رکن شروع شود حتماً متفق الارکان و بحر متدارک است:

چون رخت ماه من بر فلک مه نتافت بر درت شاه من جز ملک ره نیافت
فاعِلن، فاعِلن، فاعِلن (بحر متدارک مثنی سالم)

بیت زیر از خواجوی کرمانی نیز به همین صورت است:

ای تنق بسته از تیره شب بر قمر	طوطی خطّت افکنده پر بر شکر
	(خواجوی کرمانی، ۱۳۶۹: ۴۴۲)

یا:

گر بخواند به خویشم فقیـرم ور برانـد ز پیشـم حقیـرم
(میرزا حبیب خراسانی، ترکیب‌بند شماره ۳۰)
فاعلن، فاعلن، فاعلن، فع (بحر متدارک مثنی‌أحد)

شروع بیت با دو هجای کوتاه

اشعار فارسی و عربی با توجه به شروع بیت با دو هجای کوتاه (U U) از یکی از این ارکان خارج نیست: فَعْلَاتَن، فَعْلَن و مُتَفَاعِلَن.

الف) فَعْلَاتَن

در شعر فارسی بیشتر ابیاتی که با رکن فَعْلَاتَن (دو هجای کوتاه) آغاز می‌شود، اگر ارکان بعدی آن نیز فَعْلَاتَن باشد، متفق الارکان و بحر رمل است. البته هم در بحر مسدس و هم مثنی‌أحد، معمولاً رکن آخر این بحر فعلن (مخبون محذوف) یا فع لن (اصلم) است.
مثال از نوع مسدس:

کنم از جیب نظر تا دامن چه عیزی که نکردی با من
(جامی، ۱۳۶۶: ۵۲۹)

فَعْلَاتَن، فَعْلَاتَن، فع لن (بحر رمل مسدس مخبون محذوف)

مثال از نوع مثنی‌أحد:

دلیم از دست غمت دامن صحرا بگرفت غمت از سر نهنم گر دلت از ما بگرفت
(سعدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۶۱)

فَعْلَاتَن، فَعْلَاتَن، فَعْلَاتَن، فَعْلَن (بحر رمل مثنی‌أحد مخبون محذوف)

در این بحر (رمل) در اشعار دوری، بیت با فَعْلَاتَن (مشکول فاعلاتن) شروع می‌شود که در اینگونه ابیات رکن بعدی حتماً فاعلاتن می‌آید؛ بنابراین متفق الارکان و بحر رمل است و البته تشخیص آن نیز راحت است:

دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی عجب است اگر نگردد که بگردد آسیابی
(سعدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۶۰۴)

فَعْلَاتَن فاعلاتن، فَعْلَاتَن فاعلاتن (بحر رمل مثنی‌أحد مشکول)

بحر دیگری که ممکن است با فَعْلَاتَن (دو هجای کوتاه) شروع شود، آن است که بعد از آن مفاعِلن (مخبون مستفعلن) بیاید که در این صورت حتماً مختلف الارکان و بحر خفیف است. در این بحر معمولاً رکن آخر فَعْلَن (مخبون محذوف فاعلاتن) یا فع لن (اصلم فاعلاتن) می‌آید.

در بیت زیر ضمن شروع بیت با فعلاتن و آمدن مفاعله بعد از آن هردو اختیار شاعری به کار رفته است (آمدن فاعلاتن به جای فعلاتن در مصراع دوم و همچنین فعل لن در مصراع دوم به جای فَعَلَن در مصراع اول):

تو به سیمای شخص می‌نگری ما در آثار صنّع حیرانیم
(سعدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۵۷۴)

فعلاتن، مفاعله، فَعَلَن و در مصراع دوم: فاعلاتن، مفاعله، فعل لن (بحر خفیف مسدس مخبون محذوف یا اصلم)

در موارد بسیار نادری نیز ممکن است در بیتی به صورت متوالی دو بار فعلاتن به کار رود و رکن سوم مفاعله (مخبون مستفعلن) بیاید که در این صورت نیز مختلف الارکان و بحر غریب است:

چو قدت گرچه صنوبر کشد سری نبود چون قد سروت صنوبری
(سلمان ساوجی، ۱۳۸۲: قصیده ۲۲۰)

فعلاتن، فعلاتن، مفاعله (بحر غریب مسدس مخبون)

(ب) فَعَلَن

شعری که رکن اول آن با فَعَلَن (دو هجای کوتاه) آغاز می‌شود، حتماً متفّق الارکان و بحر متدارک است. در این بحر ممکن است بعد از فَعَلَن دوباره فَعَلَن (مخبون مفاعله) بیاید و همچنین ممکن است بعد از فَعَلَن، یک در میان فعل لن (مقطوع فاعله) به کار رود.

مثال از نوع اول:

چگلی صنمی که دلم ببرد پس از آن به بلا و عنا سپرد
فَعَلَن، فَعَلَن، فَعَلَن (بحر متدارک مثنی مخبون)
مثال از نوع دوم:

تو ز من جانا چه خطا دیدی که همه درمان ز دلم چیدی
فَعَلَن، فعل لن، فعلن، فعل لن (بحر متدارک مثنی مخبون مقطوع)

(ج) متفاعله

این رکن نیز با دو هجای کوتاه شروع می‌شود و از بحور مخصوص شعر عربی است، که متفّق الارکان و بحر کامل است:

به حریم خلوت خود شبی چه شود نهفته بخوانیم به کنار من بنشینی و به کنار خود بنشانیم
(هاتف اصفهانی، ۱۳۶۲: ۵۱)

متفاعله، متفاعله، متفاعله (بحر کامل مثنی سالم)

شروع بیت با دو هجای بلند و بیشتر

تمامی اشعاری که با دو هجای بلند (_) یا بیشتر از دو هجای بلند شروع شود، از یکی از این ارکان خارج نیست: مفعولٌ یا مفعولن، مستفعلن، فع لن.

الف) مفعول یا مفعولن

شعری که با رکن مفعول یا مفعولن (یعنی دو هجای بلند) آغاز می‌شود اگر ارکان بعدی آن ارکانی همچون: مفاعیل، مفاعلن، فاعلن و مفاعیلن بیاید، حتماً متفق الارکان و بحر هزج است. مثال برای مفعولٌ:

یک چند به کودکی به استاد شدیم یک چند به استادی خود شاد شدیم

(خیام نیشابوری، ۱۳۷۲: ۱۰۴)

مفعولٌ، مفاعلن، مفاعیلٌ، فَعَل و مصراع دوم مفعولٌ، مفاعیلٌ، مفاعیلٌ، فَعَل (بحر هزج مثنی‌اخر) مقبوض محبوب)

مثال برای مفعولن:

گفتم عقلم، گفت که حیران من است گفتم جانم، گفت که قربان من است

(عبید زاکانی، ۱۹۹۹: ۱۳۸)

مفعولن، مفعولٌ، مفاعیلٌ فَعَل (بحر هزج مثنی‌اخرم اشتر محبوب)

در موارد فراوان و پرکاربردی نیز بعد از مفعول، فاعلاتن یا فاعلاتن (البته فاعلاتن مربوط به اشعار دوری است) می‌آید، که در این صورت حتماً مختلف الارکان و بحر مضارع است.

مثال برای نوع اول:

ما را سری است با تو که گر خلق روزگار دشمن شوند و سر برود هم بر آن سریم

(سعدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۵۷۳)

مفعولٌ فاعلاتن، مفاعیلٌ فاعلن (بحر مضارع مثنی‌اخرم مکفوف محذوف)

مثال برای نوع دوم:

راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد شعری بخوان که با او رطل گران توان زد

(حافظ شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۷۸)

مفعول فاعلاتن، مفعول فاعلاتن (بحر مضارع مثنی‌اخر)

در موارد نادری نیز، کاربرد مفعول در آغاز بیت (دو هجای بلند) مربوط به بحر قریب است (در این صورت رکن سوم فاعلاتن یا زحاف‌های مربوط به آن می‌آید، زیرا اصل این بحر مفاعیلن، مفاعیلن، فاعلاتن است).

تا ملک جهان را مدار باشد فرمانده او شهریار باشد

(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۳۰)

مفعولٌ، مفاعیلٌ، فاعلاتن (بحر قریب مدس اخرم مکفوف)

(ب) مستفعلن

در شعر فارسی بیتی که با مستفعلن (دو هجای بلند) شروع می‌شود؛ حتماً متفّق الارکان و بحر رجز است؛ مگر در موارد بسیار نادری که شاعر بخواهد در اصل بحر مجتث که وزن آن مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن است، شعری بسراید:

شلوار تاخورده دارد مردی که یک پا ندارد خشم است و آتش نگاهش یعنی تماشا ندارد
(سیمین بهبهانی، ۱۳۹۵: ۱۱۰)

مستفعلن فاعلاتن، مستفعلن فاعلاتن (بحر مجتث مثنی‌سالِم)

بنابراین در بحر رجز بیتی که با مستفعلن (دو هجای بلند) آغاز می‌شود، ارکان بعدی آن نیز مستفعلن است و تشخیص آن نیز ساده است:

محمل بدار ای ساریان تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود
(سعدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۵۰۸)

مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن (بحر رجز مثنی‌سالِم)

نکته آخر اینکه در موارد بسیار نادری نیز ممکن است براساس اوزان شعر عربی بعد از مستفعلن فاعلن یا زحاف‌های آن بیاید، که در این صورت بحر بسیط است؛ زیرا اصل بحر بسیط مستفعلن فاعلن، مستفعلن فاعلن، است:

در لطف گر بروی شاه همه چمنی در قهر اگر بروی گه را ز بن بکنی
(مولوی، ۱۳۶۷: ۱۲۴۸)

مستفعلن فَعْلَن، مستفعلن فَعْلَن (بحر بسیط مثنی‌مخبون)

(ج) فع لن

بیتی که با فع لن (دو هجای بلند) شروع می‌شود اگر ارکان بعدی آن نیز فع لن یا فَعْلَن باشد، حتماً متفّق الارکان و بحر متدارک است (فع لن در زحاف‌های فاعلن مقطوع است).

مثال برای نوع اول:

تا کی ما را در غم داری تا کی آری بر ما خواری
فع لن، فع لن، فع لن، فع لن (بحر متدارک مثنی‌مقطوع)

مثال برای نوع دوم:

با من صنما دل یک دله کن گر سر ننهیم آنگه گله کن
(مولوی، ۱۳۶۷: ۷۸۵)

فع لن، فَعْلَن، فع لن، فَعْلَن (بحر متدارک مثنی‌مقطوع)

اگر بعد از رکن فع لن، فعولن بیاید، حتماً متفق الارکان و بحر متقارب است (فع لن در زحافهای فعولن اثلّم است).

گفتم که ای جان خود جان چه باشد ای درد و درمان درمان چه باشد (مولوی، ۱۳۶۷: ۳۸۷)

فع لن فعولن، فع لن فعولن (بحر متقارب مثنی اثلّم)

نتیجه گیری

محور اصلی این مقاله در حوزه رکن بندی و در نتیجه آن تشخیص درست وزن شعر فارسی است و مخاطب را از مباحث مقدماتی عروض از جمله به خاطر سپردن زحافها و نامگذاری بحور عرضی- که چندان هم دشوار نیست- بی نیاز می کند.

با توجه به کثرت اوزان شعر فارسی که در ابتدای این مقاله نیز به آن اشاره کرده ایم، با این راهکار برای تشخیص وزن و رکن بندی صحیح، ذهن با اوزان بسیار محدودی سر و کار دارد. به عنوان مثال در تقطیع بیتی که با دو هجای کوتاه شروع می شود؛ برای تشخیص وزن بیت مذکور و در نتیجه رکن بندی صحیح آن براساس این روش رکن اول بیت یا فعلاتن است یا فعْلن. اگر فعلاتن بود ارکان بعدی آن نیز از دو حالت خارج نیست؛ زیرا ممکن است دوباره فعلاتن باشد که در این صورت حتماً متفق الارکان و بحر متدارک است که ارکان بعدی آن نیز فعْلن یا فع لن خواهد بود. البته اگر بیت با فعلاتن نیز شروع شود حتماً بحر رمل و رکن بعدی آن فاعلاتن است. اگرچه محور این مقاله براساس اوزان پرکاربرد و شعر شاعران مطرح است، در این تحقیق به اوزان و بحور کم کاربرد و نامطبوع نیز پرداخته ایم؛ بنابراین این روش تمامی اوزان شعر فارسی را در بر می گیرد.

تعارض منافع

«هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

COPYRIGHTS



©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع

- انوری، محمدبن محمد (۱۳۷۶). دیوان، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۹۵). مجموعه/شعار، چاپ هفتم، تهران: نگاه.
- پارسا، سیداحمد (۱۳۹۹). «تحلیلی از اثربخشی تدریس به شیوه سماعی در درس عروض، یک مطالعه خود مردم نگارانه»، تدریس پژوهی، سال ۸، شماره ۴، صص ۳۵-۴۹. Dor: 20.1001.1.24765686.1399.8.4.3.4
- جامی، نورالدین (۱۳۶۶). هفت/اورنگ، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، چاپ اول، تهران: سعدی.
- جاهدجاه، عباس (۱۴۰۳). «بررسی و تکمیل نظریه ارکان عروضی خانلری»، فنون/ادبی، سال ۱۶، شماره ۴، صص ۱-۱۴. doi: 10.22108/liar.2024.142079.2397
- خاقانی شروانی، افضل الدین (۱۳۷۸). دیوان، تصحیح سید ضیاءالدین سجادی، چاپ ششم، تهران: زوآر.
- خانلری، پرویز (۱۳۶۰). وزن شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: توس.
- خواجوی کرمانی، محمود بن علی (۱۳۶۹). دیوان. تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ اول، تهران: پاژنگ.
- خیام نیشابوری (۱۳۷۲). رباعیات، به اهتمام محمدعلی فروغی و قاسم غنی، چاپ اول، تهران: عارف.
- دری، نجمه، پورمحمد، مهدی و زیارت زاده، عبدالمجید (۱۳۹۹). «آموزش شفاهی- محور عروض با به کارگیری موسیقی؛ راهکاری نو در تدریس وزن شعر»، فنون/ادبی، سال ۱۲، شماره ۴، صص ۷۳-۹۶.
- رازی، شمس الدین محمد قیس (۱۳۸۸)، المعجم فی معاییر/الاشعار/العجم، تصحیح محمد قزوینی و تصحیح مجدد مدرس رضوی، چاپ پنجم، تهران: علمی.
- رودکی، جعفر بن محمد (۱۳۸۰). دیوان، تصحیح جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: توس.
- سلمان ساوجی، خواجه جمال الدین سلمان بن خواجه علاء الدین محمد (۱۳۸۲). کلیات سلمان ساوجی، مقدمه و تصحیح عباسعلی وفایی. چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۹). کلیات، تصحیح محمدعلی فروغی و تصحیح مجدد بهاءالدین خرمشاهی، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- سنائی غزنوی، ابوالمجد محدود بن آدم (۱۳۷۷). حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه، تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- سیفی (۱۳۷۲). عروض سیفی و قافیه جامی، تصحیح ایچ بلاخمان، به کوشش محمد فشارکی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۶۸). موسیقی شعر، چاپ دوم، تهران: توس.
- عبید زاکانی، نظام الدین عبیدالله قزوینی (۱۹۹۹). کلیات، تصحیح پرویز اتابکی، چاپ اول، نیویورک: مجموعه متون فارسی.
- قطران تبریزی، ابومنصور (۱۴۰۲). دیوان، تصحیح و تعلیق محمود عابدی و مسعود جعفری، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

کرمی، محمدحسین (۱۳۸۰). عروض و قافیه در شعر فارسی، چاپ اول، شیراز: دانشگاه شیراز.
کمالی نهاد، علی اکبر و موسی کاظمی، سید مجید (۱۴۰۰). «ارزیابی میزان یادگیری دانش آموزان دوره دوم متوسطه در درس عروض»، پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی، سال ۲، شماره ۳، صص

Dor: 20.1001.1.27172228.1400.2.3.4.9.۷۵-۵۲

ماهیار، عباس (۱۳۷۳). عروض فارسی، چاپ اول، تهران: قطره.
منوچهری دامغانی، احمد بن قوص (۱۳۸۵). دیوان، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ ششم، تهران: زوآر.
مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۶۷). دیوان کبیر، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، چاپ ۱۲، تهران: امیرکبیر.
مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۹۸). مثنوی، تصحیح محمد علی موحد، چاپ سوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی و هرمس.

میرزایی، محمد، نقشبندی، شهرام، میثمی، حسین و شکری، یدالله. (۱۳۹۸). «نگاهی نو به اوزان شعر فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی و ریتم»، مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۰، شماره ۲۰، صص ۴۴۸-۴۱۷.

doi: 10.22075/jlrs.2019.16987.1404

ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین حمید الدین (۱۳۳۹). دیوان، تصحیح تقوی، سید نصرالله، چاپ اول، چاپخانه گیلان.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۵). وزن شعر فارسی (درس‌نامه)، به همت امید طیب‌زاده، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۳). معیار الاشعار، به کوشش محمد فشارکی و جمشید مظاهری، چاپ اول، اصفهان: سپهروردی.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۹۰). خسرو و شیرین، تصحیح برات زنجانی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۴۰۱). مخزن الاسرار، تصحیح تقی پورنامداریان و مصطفی موسوی، چاپ اول، تهران: سخن و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نظری، ماه (۱۳۹۱). «بحور و اوزان رایج و کم کاربرد در سده‌های هفتم و اوایل هشتم»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی دز زبان فارسی، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۶۴-۴۵.

نوروزی، جهان‌بخش (۱۳۶۸). عروض آسان، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
هاتف اصفهانی، احمد (۱۳۶۲). دیوان، تصحیح محمد عباسی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی فخر رازی.

References

- Anvari Abivardi, M. T. (1997). *Divan*, edited by Modarres Razavi, fifth edition, Tehran: Elmi & Farhangi Publication. [in Persian]
Behbahani, S. (2016). *Collection of Poems*, Seven edition, Tehran: Negah Publications. [in Persian]
Hatef Isfahani, A. (1983). *Divan*, edited by M. Abbasi, first edition, Tehran: Fakhr-e Razi Publications. [in Persian]
Jahed Jah, A. (2024). Investigating and Completing Khanlari's Theory on Metrical Units. *Literary Arts*, 16(4), 1-14. doi: 10.22108/liar.2024.142079.2397[in Persian]

- Jami, N. A (1987). *Haft Aowrang*, edited by M. Modarres Gilani, first edition, Tehran: Saadi Publications. [in Persian]
- Kamalinahad, A. A. & Mousakazemi, M. (2021). *Research in Teaching Persian Language and Literature*, 2(3), 52-75. Dor: 20.1001.1.27172228.1400.2.3.4.9 [in Persian]
- Karami, M. H. (2002). *Arūd va Qafiyeh Dar Sher-e Farsi (Prosodic and Rhyme in Persian Poetry)*, first edition, Shiraz: Shiraz University Press.
- Khaghani Sharvani, A. (1999). *Divan*, edited by S. Z. Sajjadi, sixth edition, Tehran: Zavaar Publications. [in Persian]
- Kha_joo-ye Kermani, M. A. (1980). *Divan*. Edited by A. Soheili Khansari, first edition, Tehran: Pazhang Publications. [in Persian]
- Khanlari, P. (1988). *The weight of Persian poetry*, second edition, Tehran: Tous Publications. [in Persian]
- Khayyam Neyshaburi, O. (1993). *Rubaiyat*, edited by M. A. Foroughi and Q. Ghani, first edition, Tehran: Aref Publications. [in Persian]
- Mahyar, A. (1994). *Arūd-e Farsi*, first edition, Tehran: Qatra Publications. [in Persian]
- Manouchehri Damghani, A. Q. (2006). *Divan*, edited by M. Dabirsiyaghi, sixth edition, Tehran: Zavaar Publications. [in Persian]
- Mirzayi, M., Naghshbandi, S., Meisami, H. & Shokri, Y. (2020). "A New Approach to Persian Poetry Meters from Linguistics and Rhythm Viewpoints". *Journal Of Linguistic and Rhetorical Studies*, 10(20), 417-448. doi: 10.22075/jlrs.2019.16987.1404 [in Persian]
- Najafi, A. (2016). *Persian Poetry (Textbook)*, by O. Tabibzadeh, first edition, Tehran: Niloufar Publications. [in Persian]
- Naser Khosrow Ghobadiyani, A. H. (1950). *Divan*, edited by N. Taqavi, first edition, Gilan Publications. [in Persian]
- Nasir al-Din Tusi, M. ibn M. (1984). *Meyar al-ashaar (The Standard of Poems)*, edited by M. Fasharaki and J. Mazaheri, Isfahan: Sohrwardi Publications. [in Persian]
- Nazari, M. (2012). "Common and Rarely Used Weights and Measures in the Seventh and Early Eighth Centuries", *Quarterly Journal of Allegorical Research in the Persian Language*, 4(12), 45-64. [in Persian]
- Nezami Ganjavi, E. Y. (2022). *Makhzan al-Asrar*, edited by T. Pournamdarian and M. Mousavi, first edition, Tehran: Sokhan and Research Institute for Humanities and Cultural Studies Publications. [in Persian]
- Nezami Ganjavi, E. Y. (2011). *Khosrow and Shirin*, edited by B. Zanjani, third edition, Tehran: University of Tehran Publications. [in Persian]
- Nowruz, J. (1989). *Easy Prose*, first edition, Shiraz: Navid Shiraz Publications. [in Persian]

- Obeyd Zakani, N. O. Q. (1999). *Kolliyat*, edited by Parviz Atabaki, first edition, New York: Persian Texts Collection. Publications. [in Persian]
- Qatran Tabrizi, (2023). *Divan*, edited and revised by M. Abedi and M. Jafari, first edition, Tehran: Persian Language and Literature Academy Publications. [in Persian]
- Parsa, A. (2020). "A Description for irregular teaching of prosodic lessons: a self-ethnographic study". *Research in Teaching*, 8(4), 49-35. Dor: 20.1001.1.24765686.1399.8.4.3.4 [in Persian]
- Rāzi, Sh. Q. (1981). *Al-Mujam fi Maāir-e Ashār-ol Ajam*, Emend M. Ghazvini and Modarres Razavi, fifth edition, Tehran: Zavvār Publication. [in Persian]
- Rudaki, J. M. (2000). *Divan*, edited by J. Shoaar, second edition, Tehran: Tous Publication. [in Persian]
- Rumi, J. M. (1988). *Kolliyat-e Shams-e Tabrizi*, edited by B. Z. Foruzanfar, 12th edition, Tehran: Amir Kabir Publication. [in Persian]
- Rumi, J. M. (2019). *Masnavi*, edited by M. A. Movahed, third edition, Tehran: Persian Language and Literature Academy and Hermes Publication. [in Persian]
- Saadi Shirazi, M. A. (1990). *Kolliyat*, edited by M. A. Foroughi and re-corrected by Bahauddin Khorramshahi, eight edition, Tehrān: Publication Amir Kabir. [in Persian]
- Saifi (1993). *The Persian meters by Saifi and a treatise on Persian rhyme by Jami*. ed. by H. Blochmann. with the help of M. Fesharaki, first edition, Tehran: University of Tehran Publication. [in Persian]
- Salman Savji, Kh. (2003). *Kolliyat-e Salman-e Savji*, introduction and correction by Abbas Ali Vafaei. First edition, Tehran: Association of Cultural Works and Honors Publication. [in Persian]
- Sanai Ghaznavi, A. M. M. A. (۱۹۹۸). *Hadiqaqt Alaqiqat fi Tariqat Haqiqat (The Garden of Truth and the Path of Shariat)*, edited by M. Razavi, Tehran: Tehran University Publication. [in Persian]
- Shafiei Kadkani, M. R. (1989). *Moosoqi-e Sher (Music of Poetry)*, second edition, Tehran: Tous Publication. [in Persian]